

داستان‌هایی برای آموزش تفکر به کودکان

مؤلفان:

دکتر جواد حاتمی

(دانشیار دانشگاه تربیت مدرس)

ذکیه رحمتی

(کارشناس ارشد آموزش و بهسازی منابع انسانی)

هادی شیرزاد

(کارشناس ارشد گفتمان‌پژشی)



انتشارات شرکت آینده‌آموزان آتا

تهران

۱۳۹۷

سرشناسه: حاتمی، جواد، ۱۳۵۲ -

عنوان و نام پدیدآور: داستان هایی برای آموزش تفکر به کودکان / مولفان: جواد حاتمی، ذکيه رحمتی، هادی شیرزاد.

مشخصات نشر: تهران: شرکت آینده آموزان آتا، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهري: ۱۰۰ص: ۲۱/۵×۱۴/۵، م.س.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۷۲۵-۹-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: داستان های کودکان -- قرن ۱۴ -- مجموعه ها

موضوع: Children's stories -- 20th century -- Collections

موضوع: کودکان و فلسفه -- داستان

موضوع: Children and philosophy -- Fiction

شناسه افزوده: حاتمی، جواد، ۱۳۵۲ -

شناسه افزوده: رحمتی، ذکيه، ۱۳۵۲ -

شناسه افزوده: شیرزاد، هادی، ۱۳۶۱ -

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۹۷۸ (R۴۲۲)

رده بندی دیویی: ۸۷۳/۶۲۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۰۱۹۱۴

انتشارات شرکت آینده آموزان آتا

داستان هایی برای آموزش تفکر به کودکان

مولفان: دکتر جواد حاتمی، ذکيه رحمتی، هادی شیرزاد

صفحه آرایي و طرح جلد: رضا حسن زاده

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

نشانی انتشارات: تهران، خیابان کارگر شمالی، خیابان گردآفرید، پلاک ۱۵، طبقه ۴-تلفن: ۶۶۵۸۱۳۷۱-۰۲۱

تلفن همراه: ۰۹۹۰۹۷۷۱۰۱ - info@artahub.com - آدرس سایت: www.artahub.com

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است و چنانچه هر شخص حقیقی یا حقوقی این اثر را بدون اجازه ناشر، چاپ یا تکثیر کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۱۰	برنامه آموزش فلسفه به کودکان
۱۳	اهداف آموزش فلسفه برای کودکان
۱۴	۱- پرورش تفکر خلاق
۱۴	۲- پرسش و نقد انتقادی
۱۵	۳- پرورش ارزش های اجتماعی
۱۵	۴- آموزش ارزش های هنری
۱۷	داستان اول: احسان بن عمر
۲۱	داستان دوم: نخود و لوبیا
۲۵	داستان سوم: گریه بی سود
۲۹	داستان چهارم: اشک یتیم
۳۳	داستان پنجم: سپید و سیاه
۳۸	داستان ششم: نکوهش نکوهیده
۴۲	داستان هفتم: ارزش گوهر
۴۷	داستان هشتم: نخ و سوزن
۵۱	داستان نهم: کارگاه حریر
۵۵	داستان دهم: ناتوان
۵۹	داستان یازدهم: حضرت سلیمان
۶۳	داستان دوازدهم: موش و گربه

- ۶۷ داستان سیزدهم: نشان آزادی
- ۷۰ داستان چهاردهم: تاراج روزگار
- ۷۳ داستان پانزدهم: گل بی عیب خداست
- ۷۷ داستان شانزدهم: ماهی و مرغابی
- ۸۱ داستان هفدهم: گل زینتی و گل خار
- ۸۶ داستان هجدهم: چوپان و گرگ
- ۹۰ داستان نوزدهم: کرباس و الماس
- ۹۴ داستان بیستم: الله، حق
- ۹۷ فهرست منابع

مقدمه

با تحول مبانی نظری و ماهیت علم، رویکردهای جدیدی در تعیین اهداف تربیتی و فرایند آموزش مطرح شده است. یکی از بارزترین رویکردهای نوین، تفکر در فرایند آموزش است. (انیس، لیپمن و پل (۱۹۸۹)، به نقل شعانی، ۱۳۸۲) معتقدند که تربیت انسان‌های صاحب اندیشه برای بخشیدن داف و تعلیم باشد. اندرسون (۱۹۷۷) و هارتر (۱۹۸۰) بر نقش انیسی استجی معنا در شناخت تأکید می‌ورزند و معتقدند دانش آموز باید به‌طور فعال تلاش کنند، اطلاعات جدید را با دانسته‌های قبلی خود ی‌حدت بخشند و آنچه را مهم و باارزش است استنباط و انتخاب کنند. به‌طور راهبردی درباره یادگیری خود بیندیشند. فیشر (۲۰۰۱) بیان می‌کند که ما موجوداتی هستیم که نه تنها فکر می‌کنیم بلکه می‌فهمیم. درباره افکار خود فکر کنیم و آن‌ها را کنترل نماییم. فهم ما از فکر مرهون تلاش‌های کسانی است که در طی قرون، ماهیت ذهن و قوای ذهنی و راه‌های پرورش قوای ذهنی را مورد مطالعه و تحقیق قرار دادند مطالعه و تحقیق مستمر در این باره ممکن است آگاهی ما

را راجع به این سؤال که تفکر چیست و چگونه می‌توانیم آن را در کودکان پرورش داد افزایش دهد.

دانش ما درباره تفکر تا حد زیادی از دو سنت متمایز فلسفه و روان‌شناسی ناشی می‌شود. فلاسفه مدت‌ها ذهن انسان را به مثابه یگانه عقل و پرورش عقل را هدف نهایی تعلیم و تربیت دانسته‌اند. فلسفه، مطالعه تفکر از طریق تحلیل، استدلال و به‌کارگیری منطق را مورد تأکید قرار داده است. روان‌شناسان درباره ساختارهای ذهن و لالعه کرده‌اند (فیشر، ۲۰۰۱). از طرف دیگر از دیرباز تاکنون در خصوص اینکه فلسفه چیست؟ پاسخ‌های مختلفی ارائه شده است که با جریانی این پاسخ‌های می‌توان آن‌ها را دودسته جای داد. دسته‌ای فلسفه را مجموعه‌ای از آراء و عقاید فیلسوفان درباره موضوعات فلهی می‌دانند و دسته دوم فلسفه را عبارت از عمل فلسفی در نظر می‌گیرند و فیلسوف را کسی می‌دانند که به‌طور فلسفی اندیشه می‌کند سقراط به‌عنوان آغازگر فلسفه به معنای حقیقی، فلسفه را برابر فلسفیدن می‌دانست. ظهور وی از فلسفیدن همانا درست اندیشیدن سروکار دارد و حتی این سخن کانت که کار فلسفه آموختن اندیشیدن است نه آموختن اندیشه (نقیب زاده، ۱۳۷۴) بیانی است از همان معنایی که برای نخستین بار سقراط به کشف آن رسید و به کار گرفت. باوجوداین مدت طولانی فلسفه از معنای حقیقی خود دور افتاد ولی در سال‌های اخیر

بازگشت قابل توجهی به این طرز فکر که فلسفه یک فعالیت به شمار می آید صورت گرفته است (اسمیت، ۱۳۷۷).

با آنکه به نظر می آید پرداختن به فلسفه کار فیلسوفان است اما به راستی این کار منحصر به آنان نیست زیرا که از یک سو هر انسانی، به عنوان انسان، لحظه هایی را فلسفی زندگی می کند و اهمیت این لحظات حیات تابداندن است که حتی می توان گفت هستی انسان در این لحظه های شکوفا می شود و از سوی دیگر هر گونه تأمل درباره اصول بنیادها و چیزها گام نهادن به قلمرو فلسفه است؛ بنابراین، فلسفه هگانی است و منحصر به فلاسفه نیست (نقیب زاده، ۱۳۷۴).

سؤالی که اینجا مطرح می شود این است که اگر فلسفه همگانی است، چرا کودکان نتوانند در آن شوند؟ با وجود اینکه قدرت تمیز، داور، مفهوم سازی و استدلال و تقویت قدرت تفکر از اهمیت انکارپذیری در زندگی فردی و اجتماعی برخوردار است، بسیاری از دانش آموزان و حتی دانشجویان فاقد قدرت در امور، داور و استدلال هستند (لیمن، ۱۹۸۰). صاحب نظران تربیتی با انجام تحقیقات و پژوهش های که از ۴۰ سال پیش شروع شده به این نتیجه رسیده اند که دوران بزرگ سالی (از جمله دانشگاهی) برای پرورش و تقویت استدلال افراد بسیار دیر است و باید چنین کاری از دوران کودکی شروع شود (لیمن، ۱۹۸۰). بدین ترتیب

صاحب نظران تربیتی برنامه جدیدی با عنوان «فلسفه برای کودکان» طراحی کردند که از آن طریق، آموزش فلسفه وارد دبستان ها و مدارس گردید.

برنامه آموزش فلسفه به کودکان

در حدود ۴۰ سال پیش در دانشگاه کلمبیا پرفسور «ماتیو لیمن» این امریه را طرح کرد که چنانچه ذهن کودک را درگیر مباحث فلسفی کنیم می توانیم نحوه تفکر او را رشد دهیم. او معتقد بود که اگر دانستن درباره جهان را با فلسفه مرتبط کنیم می توانیم کودکان را به متفکرانی تبدیل کنیم که پیش از نقاد، انعطاف پذیر و مؤثر باشند (صفایی مقدم، ۷۷). البته نباید تصور کنیم که منظور از آموزش فلسفه، آموزش افکار ارسطو، سقراط، کانت و ... است. هرچند کارهای این فلاسفه و دیگر فلاسفه در بردارند ایده ها و مفاهیمی است که هم برای بزرگسالان و هم برای کودکان جذاب هستند ولی در کلاس «فلسفه برای کودکان» مستقیماً از نظریات این فلاسفه صحبت نمی شود. ایده ها و مفاهیمی از قبیل عدالت، حقیقت، عدالت، آزادی، حقوق و قوانین و ... با مسائلی درهم آمیخته اند که برای کودکان روشن به نظر نمی رسند. برخی از سؤالاتی که کودکان مایل به طرح آن ها هستند عبارت اند از: آیا تفکرات و دانش آدمی واقعی است؟ آیا باید همیشه اکثریت تبعیت کنیم؟ ما چگونه دوستی خود را نشان می دهیم؟ یک جامعه خوب چه

ویژگی‌های دارد؟ بدن ما برای ما چه می‌کند؟ آیا باید همیشه مستقل فکر کنیم؟ چگونه می‌توان فهمید که دیگران چگونه فکر می‌کنند؟ این سؤالات و مسائل مربوط به آن‌ها و همچنین مجموعه مسائلی را که با رشد مهارت‌های شناختی کودکان مرتبط بوده و منجر به تقویت مهارت‌های تفکر و استدلال در آنان می‌شود می‌توان در قابل داستان‌ها و رمان‌ها برای کودکان بیان کرد. داستان‌هایی که دربردارنده این قبیل ایده‌ها و مفاهیم فلسفی باشد کودکان را به تفکر جالب و عمیقی وارد حیطه فلسفه می‌کنند.

فیشر (۱۹۶۵) معتقد است که «فلسفه برای کودکان» یک روش موفق در آموزش تفکر است. تجربه جهانی و شواهد به‌دست‌آمده در بیش از ۵۰ کشور نشان می‌دهد که «فلسفه برای کودکان» به رشد مهارت‌های فکری در کودکان کمک کرده است (فیشر، ۱۹۹۸). لیپمن در مورد برنامه آموزش فلسفه به کودکان می‌گوید، این برنامه به بهره‌گیری از نظریات «جان دیویی» و «یگوتسکی» که بر ضرورت تعلیم تفکر و نفی آموزش حفظ کردن صرف تأکید می‌کردند به وجود آمده است. برای کودکان کافی است که صرفاً آنچه را که به آن‌ها گفته می‌شود به حافظه سپرده و سپس به یاد بیاورند بلکه آن‌ها باید موضوع موردنظر را آزموده و تجربه و تحلیل کنند. این برنامه با ارائه تعداد زیادی تمرین در مورد یافتن دلایل خوب برای داوری، کودکان را تحت نوعی آموزش قرار

می‌دهد که افق دید آن‌ها را وسیع‌تر می‌کند. این برنامه به کودکان یاد می‌دهد که چگونه می‌توانند بهتر بیندیشند.

انجمن فلسفه برای کودکان نیوزلند بیان می‌کند که این برنامه موجب رشد تفکر انتقادی، خلاق و مسئولانه کودکان می‌شود.

مرکت‌کنندگان در این برنامه مهارت‌های تفکر سطح عالی، نگرش‌ها و عقاید ضروری برای تفکر خوب را پرورش می‌دهند. آن‌ها همچنین مهارت‌های ارتباطی‌شان و توانایی کار با دیگران را بهبود می‌بخشند (انجمن فلسفه برای کودکان نیوزلند، ۲۰۰۴). علاوه بر این، برنامه فلسفه برای کودکان شامل ویژگی‌هایی است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: مهارت خواندن برای فهمیدن، جستجوی مسئله، فهم قضاوت‌های و احکامی که صادر می‌شوند، سؤال کردن، انسجام فکری پیدا کردن، مشاهده تناسب‌ها، ارتباط برقرار کردن بین امور مورد مطالعه، تمرکز پیدا کردن بر مسئله مورد بحث، طبقه‌بندی کردن، ارائه دلیل، صورت‌بندی کردن معیارها و استفاده از آن‌ها، نگاه کردن به امور از منظر وسیع‌تر، استفاده از مثال، تحلیل جملات و عبارات، مطالعه و ادراک پیش‌فرض‌ها، کشف جانشین‌ها، دریافت دلالت‌ها، تعمیم دادن، گوش دادن فعال، بی‌طرف بودن، مسائل را از دید دیگران دیدن، احترام گذاشتن به دیگران (صفایی مقدم، ۱۳۷۷).